فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق
سال پنجم، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱۵
صفحات ۵۶ ـ ۳۱

PAZHUOHESH NAMEH-E AKHLAGH
A Quarterly Research Journal
Vol. 5, Spring 2012, No. 15

بررسی و تحلیل نظری اخلاق جنگ در قرآن و حدیث

محمدرضا حاج‌اسماعیلی*
مهدی حبیب‌اللهی**

چکیده

موضوع جنگ همواره مورد توجه دانشمندان اخلاق قرار گرفته است. در این نوشتار دیدگاه اسلام براساس آیات قرآن و روایات پیرامون این سؤال که آیا جهاد ابتدایی در اسلام توجیه اخلاقی دارد، تبیین و به برخی از شبهات و اشکالات پاسخ داده شده است. در ابتدا دیدگاه های رایج فیلسوفان اخلاق غرب در این باره بررسی، سپس نظر اسلام بیان شده است. توصیه اسلام به جنگ در چارچوب کلی جهان اسلام که بر محور توحید و عدالت استوار است، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. ازاین‌رو بارزترین شرط جهاد در اسلام فی سبیل الله بودن آن است که با توجه به همین قید اشکال مهم غربیان به حکم جهاد در اسلام پاسخ داده می‌شود. شروع جنگ در اسلام مشروط به شرایطی چون مقابله با تجاوزگری، دفاع از مظلوم، رفع فتنه، فقدان راه‌حل مسالمت‌آمیز است که همگی از اصول مترقی اخلاقی اسلام خبر می‌دهد.

واژگان کلیدی

جنگ، اخلاق جنگ، جنگ ابتدایی، جنگ دفاعی، نظریه جنگ عادلانه.

طرح مسئله

جنگ و صلح دو پدیده‌ای است که بشر همواره در طول تاریخ با آنها روبه‌رو بوده و از آنها بهره‌ها برده و یا با

*. دانشیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان. m.hajis@yahoo.com
**. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان. habibolahi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۵

مصائب آن دست و پنجه نرم کرده است. تقابل این دو مفهوم، به تقابل خیر و شر در وجود انسان باز می‌گردد. از سویی، انسان موجودی کمال‌جو و خیرخواه است که برای کسب سعادت دنیوی و اخروی از انجام هیچ خیری دریغ نمی‌ورزد. از سویی نیز تزاحمات و تضادهای درونی انسان و برخورد منافع وی، او را به موجودی تبدیل می‌کند که در مقابل دیگری بایستد تا به اهداف خود نائل گردد.

فیلسوفان اخلاقی چون کارل وان کلاسویتز،[1] مایکل گلون[2] و مایکل والتزر[3] جنگ را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «جنگ درگیری و نزاعی واقعی، بین‌المللی، گسترده و مسلحانه میان جوامع سیاسی بر سر قدرت و حکومت است.» (Orend, 2005: 2-3) با قید واقعی، درگیری‌های لفظی و تهدیدات شفاهی که بدون اقدام عملی است، از تعریف جنگ خارج می‌شود. قید دیگر جنگ، بین‌المللی بودن آن است؛ بنابراین درگیری شخصی میان دو یا چند نفر، چه مسلحانه و چه غیر مسلحانه را جنگ نمی‌نامند. طرف‌های درگیر در جنگ باید کشور مستقل بوده و یا ادعای استقلال داشته باشند. جنگ باید گسترده باشد؛ بنابراین درگیری‌های محدود بین گروه‌های کوچک را اصطلاحاً جنگ نمی‌گویند. عنصر مهم دیگر در همه جنگ‌ها، هدف غایی آن است که در نظر این فیلسوفان به‌دست آوردن قدرت و گسترش حکومت است. در واقع جنگ روشی خشن است برای اینکه مشخص شود چه کسی حق به کرسی نشاندن حرف و عقیده خود در یک قلمرو مشخص را دارد. (Clausewitz, 1995: 89)

نظریه‌های اخلاقی درباره جنگ

ماهیت خشن جنگ و تأثیرات گسترده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن سؤالات اخلاقی جنجالی زیادی را به‌دنبال داشته و رویکردهای گوناگونی در پاسخ به این پرسش‌ها ایجاد شده است. حداقل سه دیدگاه در مورد اخلاق جنگ و صلح در میان فیلسوفان غربی به‌وجود آمده است: نظریه جنگ عادلانه، صلح‌گرایی و واقع‌گرایی. (Orend, 2005: 3)

الف) نظریه جنگ عادلانه

این دیدگاه تأثیرگذارترین و پرطرف‌دارترین نظر در اخلاق جنگ و صلح است و شخصیت‌هایی همچون آگوستین،[4] آکوئیناس[5] و مایکل والتزر طرف‌دار این دیدگاه بوده‌اند. بسیاری، سَنت آگوستین را بنیان‌گذار این نظریه دانسته‌اند؛ ولی ریشه‌های اولیه این نظریه را در لابه‌لای دیدگاه‌های ارسطو می‌توان جستجو

1. Carl Von Clausewitz.
2. Michael Gelven.
3. Michael Walzer.
4. Augustin.
5. Aquinas.

کرد. (Walzer, 1995: 125) نکته اصلی این نظریه این است که جنگ فی‌نفسه و بالکل بد و غیر اخلاقی نیست؛ بلکه جنگ در موارد خاص و تحت شرایطی شایسته، نیکو و کاملاً عادلانه است و از لحاظ اخلاقی کاملاً توجیه‌پذیر است. طرف‌داران این نظریه همواره جنگ جهانی دوم و وارد شدن متفقین به این جنگ را از قبیل جنگ عادلانه و توجیه‌پذیر می‌دانند. بسیاری از اصول نظریه جنگ عادلانه اکنون در قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی انعکاس داده شده است.

براساس نظریه جنگ عادلانه، جنگ در شرایط خاصی صحیح و اخلاقی است. شرایط عادلانه در سه بخش و سه مرحله بیان شده که عبارتند از: ۱. عدالت در آغاز جنگ؛[1] ۲. عدالت در حین جنگ؛[2] ۳. عدالت در خاتمه جنگ و برقراری صلح.[3] (Orend, 2005: 5)

یک. عدالت در آغاز جنگ

رعایت اصول و قواعد عدالت در آغاز جنگ به سران و رهبران سیاسی کشورها بازمی‌گردد. رهبران سیاسی معمولاً آغازکننده جنگ هستند و نیروهای خود را به حرکت درمی‌آورند. اگر قرار باشد شروع جنگ عادلانه و اخلاقی باشد، باید دارای شش شرط باشد. این شرایط عبارتند از:

۱. هدف عادلانه: این مهمترین عنصر در عادلانه شدن آغاز جنگ است. دولت‌ها تنها با داشتن دلیل منطقی و معقول می‌توانند آغازگر جنگ باشند. دلیل و هدف عادلانه می‌تواند شامل دفاع از خود در برابر تجاوز خارجی، دفاع از کشور ثالث در برابر حمله خارجی و حمایت از شهروندان بی‌گناه در برابر حکومت‌ها و دولت‌های ظالم باشد. در یک کلام اینکه هدف عادلانه در نظر والتزر به مقاومت در برابر خشونت تعبیر شده است.

۲. قصد و نیت صحیح: قصد دولت در شروع جنگ باید صرفاً رسیدن به هدف عادلانه باشد. داشتن هدف عادلانه برای شروع جنگ کافی نیست؛ بلکه انگیزه واقعی در پس توسل به جنگ نیز باید از لحاظ اخلاقی درست باشد. انگیزه تصرف سرزمین و افزایش قدرت، انتقام‌جویی و یا نفرت نژادی نباید در کار باشد.

۳. حاکمیت قانونی دولت و اعلان عمومی: تنها مرجع قانونی که می‌تواند آغازکننده جنگ باشد، دولت دارای حاکمیت مشروع است. آغاز جنگ به شرطی دارای مشروعیت است که نهاد مشروع و مسئول، رسماً و علناً آن را اعلام کند.

٤. آخرین راه‌حل: شروع جنگ به شرطی عادلانه و اخلاقاً صحیح است که تمام راه‌حل‌های صلح‌آمیز برای دفع منازعه به بن‌بست رسیده باشد. اگر امکان دفع تجاوز و یا انصراف دولت متجاوز از اصرار به استفاده از خشونت از طریق گفتگو و یا تحریم‌های بین‌المللی وجود داشته باشد، آغاز جنگ اخلاقاً مشروع نیست.

۵. احتمال موفقیت: دولت‌ها تنها در صورتی می‌توانند شروع‌کننده جنگ باشند که این اقدام طبق احتمالات

1. Just ad bellum.
2. Just in bello.
3. Just post bellum.

عقلایی همراه درصدی از موفقیت و رسیدن به اهداف از قبل مشخص‌شده باشد.

٦. تناسب: دولت پیش از آغاز جنگ باید فواید عمومی منتج از آن را در برابر ضررهای احتمالی بسنجد و تنها در صورتی که فواید آن بیشتر و یا متناسب با ضررهای آن است، می‌تواند آغازگر جنگ باشد. (Ibid: 12; Walzer, 1995: 60-100)

دو. عدالت در حین جنگ

اصول اخلاقی حین جنگ اصولی است که سربازان و افسران و همه افراد درگیر در جنگ موظف به اجرای آن هستند و مربوط به رفتار صحیح اخلاقی با سربازان دشمن و صحنه نبرد است. برخی از این اصول به اختصار چنین است:

۱. پیروی از قوانین بین‌المللی: تابعیت از قانون در عدم استفاده از سلاح‌های ممنوعه، نظیر سلاح شیمیایی و میکروبی.

۲. عدم تعرض به غیر نظامیان: سربازان باید سلاح‌های غیر ممنوعه خود را تنها علیه کسانی که به‌طور مستقیم درگیر جنگ شده‌اند، به‌کار برند. بنابراین بمباران مناطق مسکونی در شهرها ممنوع و غیر اخلاقی است.

۳. تناسب: سربازان متناسب با هدف آغاز جنگ مجاز به استفاده از اسلحه هستند. بنابراین استفاده از سلاح‌های غیر متعارف و روش‌های افراطی ناسازگار با هدف جنگ، غیرمجاز است.

٤. خوش‌رفتاری با اسیران جنگی: اگر سربازان دشمن تسلیم شده یا به اسارت درآیند، از آنجا که دیگر تهدید بالفعل به‌حساب نمی‌آیند و جزو افراد درگیر در جنگ نمی‌باشند، نباید با آنها به‌عنوان دشمن برخورد شده و در معرض قتل، گرسنگی، تجاوز، شکنجه و آزمایش پزشکی و مواردی از این قبیل قرار گیرند؛ بلکه باید تا پایان جنگ در اردوگاه‌های دور از صحنه جنگ نگهداری شوند.

۵. عدم استفاده از روش‌های ممنوعه: استفاده از روش‌هایی نظیر تجاوز جنسی، نسل‌کشی، پاک‌سازی نژادی و قومی، استفاده از سم، فریب، استفاده از اسرای جنگی در جنگ علیه هم‌وطنانشان و یا سلاح‌های کشتار جمعی ممنوع است.

٦. عدم انتقام‌جویی و مقابله به مثل: نقض قوانین اخلاقی و بین‌المللی مربوط به جنگ از سوی کشور متخاصم، مجوزی برای مقابله به مثل و نقض قوانین در مورد کشور متجاوز نیست. (Orend, 2004: 19)

سه. عدالت پس از جنگ و ایجاد صلح

همان‌گونه که شروع جنگ و ادامه جنگ دارای اصول اخلاقی است، اتمام آن و گذار از مرحله جنگ به صلح نیز دارای اصولی است که دولت‌ها و افراد درگیر در جنگ موظف به رعایت آنها هستند. این اصول عبارتند از:

۱. نحوه اعلام صلح: اعلام صلح باید معقول و حساب‌شده باشد و به‌صورت مناسب و عمومی اعلام گردد.

۲. دفاع از حقوق: در توافق صلح باید حقوق همه کسانی که به‌خاطر جنگ نقض شده، استیفا گردد.

۳. تبعیض در مجازات: میان رهبران سیاسی، سربازان و شهروندان عادی کشور شکست‌خورده، باید تفاوت گذاشته شود. شهروندان عادی باید از مجازات‌های کیفری پس از جنگ در امان باشند.

٤. مجازات متجاوز: اگر کشور شکست‌خورده ناقض حقوق بین‌المللی بوده، باید متناسب با نقش رهبران سیاسی و سربازان شرکت‌کننده در جنگ برای آنها مجازات عادلانه درنظر گرفته شود.

٥. جبران خسارت: جبران خسارت باید به‌صورتی باشد که علاوه بر اینکه خسارت‌دیدگان به حق خود برسند، امکان اینکه کشور شکست‌خورده به بازسازی زیرساخت‌های خود بپردازد، وجود داشته باشد.

٦. اصلاحات و تجهیز دوباره کشور: پس از اتمام جنگ، لازم است که در کشور شکست‌خورده، اصلاحات سیاسی و نظامی انجام شود؛ نیروهای درگیر در جنگ خلع سلاح شوند و نیروی جدید پلیس و ارتش تشکیل گردد. (Orend, 2004: 123-140)

ب) نظریه واقع‌گرایی

براساس این دیدگاه اصولاً هیچ رابطه‌ای میان عدالت، اخلاق و جنگ وجود ندارد. دولت‌ها برای منافع اقتصادی، مادی و توسعه قلمرو و قدرت خویش وارد جنگ می‌شوند و ایدئال‌های اخلاقی و توسعه عدالت نمی‌تواند مد نظر هیچ دولت در جنگی باشد.از طرف دیگر، شرایط جهانی به‌گونه‌ای است که در موارد زیادی جنگ اجتناب‌ناپذیر است و دولت‌ها ناخواسته وارد جنگ می‌شوند؛ در این شرایط داشتن اهداف عدالت‌جویانه و اخلاقی بی‌معناست. بنابراین وارد کردن مفاهیم اخلاقی در جنگ اشتباه است؛ میان جنگ و این مفاهیم سنخیتی وجود ندارد.

والتزر در رد واقع‌گرایی می‌گوید: ماهیت دولت چیزی جز افراد تشکیل‌دهنده آن نیست و چون انسان‌ها دارای اهداف اخلاقی هستند، دولت‌ها که از همین انسان‌ها تشکیل شده‌اند نیز دارای دغدغه‌های اخلاقی هستند. از طرف دیگر، دولت‌ها برای قدرت بیشتر تلاش می‌کنند و قدرت بیشتر با حمایت مردم از آنها حاصل می‌شود؛ ازاین‌رو نمی‌توانند از عدالت و اخلاق صرف‌نظر کنند. همچنین عدم اختیار دولت‌ها در اجتناب از جنگ و ضرورت آن در شرایط امروز جهانی، ادعای بدون دلیل و خلاف وجدان است. (Walzer, 1995: 140-167)

ج) نظریه صلح‌گرایی

براساس این دیدگاه امکان طرح مسائل اخلاقی در مورد جنگ وجود دارد، ولی پاسخ به این سؤال که آیا جنگ می‌تواند اخلاقی باشد، همواره منفی است. جنگ همیشه منفی و ضد اخلاقی است؛ چراکه همیشه راه‌حل صلح‌آمیز برای رفع مخاصمات وجود دارد. جنگ در هر شرایطی همیشه یک انتخاب اشتباه است. مخالفت مدنی از داخل و فشارهای بین‌المللی از خارج، می‌تواند کشور متجاوز را به زانو درآورد و شکست دهد.

والتزر در رد صلح‌گرایی می‌گوید: یکی از مهم‌ترین دلایل سستی این نظریه، غیر واقعی بودن و یا خوش‌بینانه بودن آن است. جهان عاری از خشونت، آن‌گونه که صلح‌گراها درصدد ترسیم آن هستند، غیر قابل تحقق است. جنگ گاهی اخلاقاً ضروری است؛ هنگامی که حقوق ملت‌ها پایمال گردد. اقدامات صلح‌آمیز برای رفع تجاوز و خشونت همیشه کارساز نیست و در مواردی باعث جری‌تر شدن متجاوز می‌گردد؛ اتفاقی که در مورد آلمان زمان هیتلر افتاد. بنابراین جنگی که برای متوقف کردن تجاوز با شرایط خاص آن شروع شود، نه‌تنها عادلانه و صحیح است، بلکه ضرورت نیز دارد. (Ibid: 171-196)

بررسی دیدگاه اسلام درباره جنگ

برای به‌دست آوردن دیدگاه اسلام درباره جنگ، لازم است منابع اسلامی و در رأس آنها آیات نورانی قرآن کریم و سپس احادیث و سیره پیامبر اکرمﷺ و تاریخ صدر اسلام را بررسی و بازبینی کنیم.

آن‌گونه که در منابع فقه اسلامی گفته شده است، جهاد در یک تقسیم‌بندی کلی به دو نوع جهاد ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود که در کتب فقهی احکام و شرایط هریک بیان شده است. هدف ما در این نوشتار بررسی فقهی یا کلامی مسئله جهاد در اسلام نیست؛ بلکه ما درصدد بررسی اخلاقی جهاد و پاسخ دادن به این پرسش هستیم که آیا جنگ، به‌ویژه نوع ابتدایی آن دارای توجیه اخلاقی هست یا نه؟ آیا شروع جنگ با توجه به معیارهای ارائه‌شده برای عمل اخلاقی در فلسفه اخلاق، پذیرفتنی و پسندیده است؟ همان‌گونه که در مقدمه بیان کردیم، در حال حاضر رویکرد اصلی فیلسوفان، حقوق‌دانان و سیاست‌مداران غربی در مورد جنگ، پذیرش نظریه جنگ عادلانه است. بر این اساس، تقریباً همگی پذیرفته‌اند که جنگ در دنیای امروز، حتی با درنظر گرفتن معیارهای اخلاقی، نه‌تنها اجتناب‌ناپذیر نیست، بلکه در مواردی لازم و ضروری و مصداق یک عمل اخلاقی است. با توجه به این رویکرد، آیا دستور اسلام به جهاد در قالب معیارهای پذیرفته‌شده جامعه جهانی قرار می‌گیرد یا خیر؟

مطالعه و دقت در آداب شروع، ادامه و پایان دادن جنگ در اسلام، این حقیقت را آشکار می‌کند که آنچه امروزه در نظام حقوق بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته، چهارده قرن پیش‌تر در متن تعالیم اسلام وجود داشته و در مواردی الهام‌بخش تدوین‌کنندگان این حقوق نیز بوده است. از طرف دیگر، همان‌گونه که اسلام برای شروع جنگ و ادامه آن شرایط و اصولی درنظر گرفته، برای خاتمه آن و برقراری صلح نیز شرایط و قواعدی اندیشیده و همگان را به اجرای آن فراخوانده است. در اینجا بر روی موضوع اخلاقی بودن شروع جنگ در اسلام متمرکز شده و بحث در مورد ضوابط اخلاقی حین جنگ و پایان آن را به مقالی دیگر وامی‌گذاریم.

همان‌گونه که اشاره شد، در اسلام دو نوع جهاد وجود دارد: جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی. در «جهاد

دفاعی» دولت اسلامی و تک‌تک مسلمانان در برابر تجاوز خارجی به کیان اسلام، وارد جنگ‌وکارزار شده و به دفاع می‌پردازند و در «جهاد ابتدایی» مسلمانان ابتدائاً و بدون وجود تجاوز، به کشور دیگر حمله می‌کنند.

الف) جهاد دفاعی

پرواضح است که همه عقلا و اندیشمندان عالم، هیچ شک و شبهه‌ای در مورد بایستگی و ضرورت مقابله و ایستادن در برابر دشمن و دفاع از حقوق و شرافت انسانی در برابر تجاوز بیگانگان و ستمگران ندارند. ازاین‌رو مشروع بودن جنگ دفاعی نیازمند دلیل و اقامه برهان نیست و هر فرد خردمندی بر آن اذعان دارد. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

> اگر جنگی برای دفع تهاجم باشد؛ دیگری به سرزمین ما تهاجم کرده است، به مال و ثروت ما چشم دوخته است، به حریت و آزادی و آقایی ما چشم دوخته و می‌خواهد آن را سلب کند و آقایی خود را به ما تحمیل کند، اینجا دین چه باید بگوید؟ آیا باید بگوید: جنگ مطلقاً بد است، دست به اسلحه بردن بد است ... بدیهی است که این سخن مسخره است ... اینجا ما نمی‌توانیم بگوییم ما چون طرف‌دار صلحیم، با این جنگ مخالفیم. این معنایش این است که ما طرف‌دار ذلت هستیم. اشتباه نشود؛ این‌دو با یکدیگر از زمین تا آسمان متفاوت‌اند ... جنگ به‌معنای ایستادگی در مقابل تهاجم قطعاً خوب است و از ضروریات زندگی بشر است. (۱۳۸۹: ۲۶)

در حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های ناظر به جنگ نیز دفاع از خود در برابر انواع تجاوز دشمن، از حقوق مسلم کشورها تلقی شده است. همچنین، براساس نظریه اخلاقی جنگ عادلانه، از مهم‌ترین شرایط عادلانه و پسندیده بودن جنگ، هدف آن در دفع تجاوز است و دولت‌ها تنها با داشتن دلیل منطقی و معقول می‌توانند آغازگر جنگ باشند.

دلیل و هدف عادلانه می‌تواند شامل دفاع از خود در برابر تجاوز خارجی، دفاع از کشور ثالث در برابر حمله خارجی و حمایت از شهروندان بی‌گناه در برابر حکومت‌ها و دولت‌های ظالم باشد. بر همین اساس، دعوت اسلام به مهیا شدن و آماده بودن‌برای دفاع از خود نه‌تنها مذموم و ناپسند نیست، بلکه مطابق اصول مورد توافق همه عقلای جهان است.

قرآن در این زمینه می‌فرماید:

> وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ. (انفال / ۶۰)
> و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان [دشمنان دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد] را بترسانید.

خداوند همچنین علت مشروع بودن دفاع در برابر تجاوز را به‌خوبی بیان فرموده است:

وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لكِنَّ اللَّـهَ ذُو فَضْـلٍ عَلَـى الْعـالَمِينَ. (بقره / ۲۵۱)

و اگر خداوند بعضی از مردم را به‌وسیله بعضی دیگر دفع نکند، سراسر روی زمین فاسد می‌شود، ولی خداوند نسبت به تمام جهانیان، لطف و احسان دارد.

ب) جهاد ابتدایی

بحث اصلی در اینجاست که آیا جهاد ابتدایی در اسلام مشروع بوده و اگر از لحاظ فقهی مشروع است، آیـا بـا موازین اخلاقی سازگار و قابل دفاع است؟ پیش از وارد شدن به اصل بحـث، لازم اسـت نگـاهی اجمـالی بـه بحث‌ها و دیدگاه‌های مختلفی که در رابطه با جنگ ابتدایی در اسلام توسط مفسران و فرهیختگـان مسـلمان بیان شده، بیندازیم و سپس دلایل قرآنی اخلاقی بودن جهاد ابتدایی در اسلام را بررسی نماییم.

یک. دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان درمورد جنگ ابتدایی

از آنجا که مفهوم جهاد ابتدایی با چالش‌ها و پرسش‌هایی روبه‌روست و به‌ویژه در دوران معاصر مخالفت‌هـای زیادی را به‌دنبال داشته است، دانشمندان اسلامی درپی فکر چاره‌اندوزی و یـافتن پاسـخ مناسـب بـرای ایـن پرسش‌ها برآمده‌اند.

با بررسی این دیدگاه‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که در میان دانشمندان شیعه و سنی چهار دیدگاه در مورد جنگ ابتدایی وجود دارد:

۱. دیدگاه متقدمین: مشروع بودن جهاد ابتدایی از لحاظ فقهی

اکثر فقهای متقدم شیعه و سنی، جهاد ابتدایی با غیر مسلمانان را برای تسلیم کردن آنها در برابـر اسـلام، مشروع و کاملاً پسندیده می‌دانند. در نگاه این عده، اصل در روابط میان دولـت اسـلامی و غیـر اسـلامی، جنگ است، مگر مصلحتی اقتضای صلح کند. شیخ طوسی می‌نویسد: «هرکس که مخالف اسلام اسـت، از سایر کفار (کافر حربی)، واجب اسـت کـه بـا آنـان جهـاد و کـارزار شـود.» (طوسـی، ۱۴۰۹: ۲۹۷ ـ ۲۹۶) ابن‌تیمیه در این باره چنین می‌گوید: «هنگامی که اصل قتالِ مشروع، جهاد است و مقصـود آن اسـت کـه دین تماماً از آن خدا باشد و کلمه خداوند برتر گردد، پس هرکه منع کند، به اتفاق مسلمین کشته می‌شود.» (ابن‌تیمیه، ۱۴۰۳: ۱۳۱) مهم‌ترین دلیل این افراد، تمسک به آیات مطلق جهاد در قـرآن اسـت. درحقیقـت این دیدگاه متعلق به فقهای اسلامی و قشر سنتی جهان اسلام است که با تعبد به ظاهر متـون و نصـوص اسلامی، به ذکر دلایل مشروعیت جهاد ابتدایی در اسلام اکتفا کرده و تلاشی در پاسخ‌گـویی بـه شـبهات نکرده‌اند. آیات قرآنی در مورد جهاد دو دسته‌اند: دسته اول آیاتی هستند که به‌طور مطلق مسـلمانان را بـه جهاد در راه خدا دعوت کرده و آن را مشروط و مقید به چیزی نکرده‌اند.

برخی از این آیات عبارتند از:

قاتِلُوا الَّذِينَ لا يؤْمِنُونَ باللّهِ وَ لا بالْيوْمِ الآخِرِ وَ لا يحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لا يـدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ حَتَّي يعْطُوا الْجزْيةَ عَنْ يدٍ وَ هُمْ صاغِرُونَ. (توبه / ۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را خـدا و فرسـتاده‌اش حرام گردانیده‌اند، حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند، کارزار کنید تا زمانی کـه بـا خضوع و تسلیم به دست خود جزیه دهند.

این آیه به‌صراحت بر لزوم جهاد با اهل کتاب تا مسلمان شدن آنان یا پرداخت جزیه تأکید می‌کند.

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَ عَسى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسى أَنْ تُحِبُّـوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُون. (بقره / ۲۱۶)

جهاد در راه خدا بر شما مقرر شده، درحالی‌که برایتان ناخوشایند است. چه‌بسا چیزی را خـوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

الَّذِينَ آمَنُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقـاتِلُوا أَوْلِيـاءَ الشَّيْطانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطانِ كانَ ضَعِيفا. (نساء / ۷۶)

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنان‌که کافرند، در راه طاغوت. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید [و از آنان نهراسید]؛ زیرا که نقشه شیطان [همانند قدرتش] ضعیف است.

فَلْيُقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً. (نساء / ۷۴)

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن‌کس کـه در راه خدا پیکار کند و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَـعَ الْمُتَّقِين. (توبه / ۱۲۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! [و دشـمن دورتـر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!] آنها باید در شما شدت و خشـونت [و قـدرت] احسـاس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

از ظاهر این آیات به‌دست می‌آید که جنگ و جهاد در اسلام مقید به شرط و قید خاصی نیسـت و جنـگ ابتدایی، مشروع و مجاز شمرده شده است. همین آیات دست‌آویز برخی از دشمنان و ناآگاهان شده و اسلام را دین جنگ و خشونت معرفی کرده‌اند.

البته در قرآن آیات زیادی نیز وجود دارد که جهاد را در صورت وجود شرایط خاصی مجاز دانسـته کـه در ادامه بخشی از این آیات را متذکر خواهیم شد.

۲. مشروع نبودن جهاد ابتدایی

در مقابل، بسیاری از دانشمندان متأخر اهل‌سنت و برخی از شیعیان به‌کلی منکر مشروعیت جهاد ابتدایی شده و اصل در روابط دولت‌های اسلامی با سایر دولت‌ها را صلح و همزیستی دانسته‌اند. شیخ محمد عبده، رشید رضا، شیخ محمود شلتوت و شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی و تا حدی شهید مطهری از جمله این افرادند. دلیل این دیدگاه نیز تمسک به آیات و روایاتی است؛ ازجمله:

وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. (انفال / ۶۱)
و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.

در این آیه صلح را در صورت تسلیم دشمن به قبول آن، مجاز بلکه واجب اعلام می‌نماید.

لا يَنْهاكُمُ اللّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يقاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيهِمْ إِنَّ اللّهَ يحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّما ينْهاكُمُ اللّهُ عَنِ الَّذِينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ وَ ظاهَرُوا عَلى إِخْراجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يتَوَلَّهُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظّالِمُونَ. (ممتحنه / ۸)
خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، بازنمی‌دارد که به آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست دارد. خدا شما را فقط از دوستی با کسانی بازمی‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر هم‌پشتی کردند. هرکس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند.

در این آیه، مسلمانان به‌صراحت از دوستی و نیکی کردن به سه دسته از افراد برحذر داشته شده‌اند: کسانی که بر سر دین با مسلمانان جنگیدند، کسانی که مسلمانان را از شهرشان بیرون کردند و کسانی که از این گروه حمایت کردند. این آیه این موارد را از حکم کلی دوست بودن و نیکی کردن به مردم استثنا کرده است. بنابراین، اصل در رابطه صلح‌جویی و مداراست، نه جنگ و جهاد.

همچنین خداوند در سوره نساء و درپی طرح دعاوی خانوادگی و توصیه به صلح به‌طور کلی، این‌گونه تعلیل می‌آورد: «و الصلح خیر.» (نساء / ۱۲۸) از این آیه نیز مطلوبیت صلح در قرآن کریم معلوم می‌گردد.

مدافعان این دیدگاه، در مواجهه با آیات مطلق جهاد که برخی از آنها پیش از این ذکر شد، به توجیه آنها دست می‌زنند. برخی از این توجیهات از این قرار است:

ـ توسعه معنایی واژه دفاع و حمل جهاد ابتدایی مصطلح بر جهاد دفاعی؛ شیخ محمود شلتوت دراین‌باره می‌گوید: «مسلمانان با تکیه بر قاعده فطری اجتماعی که امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام بیان کرده‌اند، هرگاه روح دشمنی و تجاوز در کفار زنده می‌شد، به جنگ با آنان برمی‌خاستند و منتظر تجاوز ایشان

نمی‌ماندند.» (شلتوت، ۱۳۵۴: ۶۸) شهید مطهری در این رابطه معتقد است، جهاد ابتدایی اسلام از آنجایی که دفاع از ارزش‌های انسانی و معنوی است، نوعی دفاع است، نه تهاجم. به عبارتی دیگر، با توسعه معنایی واژه دفاع، جهاد ابتدایی نیز به‌گونه‌ای نوعی جهاد دفاعی تلقی می‌شود. دفاع در مبحث جهاد، دارای دو مفهوم محدود و گسترده است. مفهوم محدود آن به‌معنای دفاع در برابر تجاوز نظامی دشمن است؛ اما مفهوم گسترده‌اش، دفاع در برابر هرگونه تجاوزی است. معنا و مفاد دفاعی بودن جهاد ابتدایی این است که روح دفاع در پیکر جنگ و جهاد ابتدایی جاری است.

به دیگر سخن، در هر موردی که جهاد ابتدایی توصیه و واجب شده است، بدون تردید حقی مورد تجاوز قرار گرفته و چنین جهادی درحقیقت برای دفاع از آن حق است. البته، نوع و گستره حق یکسان نیست؛ گاه حق دارای جنبه شخصی و فردی و گاه دارای جنبه ملی و انسانی است که از آن به حقوق انسانی یا انسانیت تعبیر می‌شود. بی‌تردید، ملاک تقدس و مشروعیت دفاع، از حق دفاع کردن است و تفاوتی نیست که حق، از آنِ یک فرد باشد، به یک ملت تعلق داشته باشد و یا به انسانیت مربوط شود؛ بلکه دفاع از حقوق انسانی، مقدس‌تر و ارزشمندتر است. ازجمله نمونه‌های دفاع از حقوق انسانی، دفاع از ارزش‌های معنوی و انسانی جامعه است.

نتیجه اینکه، منظور از دفاعی بودن جنگ در اسلام، معنای محدود آن، یعنی مقابله با هجوم نظامی دشمن که در تقسیم‌بندی جهاد به دفاعی و ابتدایی لحاظ می‌شود، نیست؛ بلکه مراد این است که جهاد ابتدایی نیز مقابله با تجاوز و دفاع از حقوق مشروع انسانی است. (مطهری، ۱۳۸۹: ۷۰ ـ ۶۶)

ـ **حمل مطلق بر مقیدات؛** عده‌ای دیگر از دانشمندان اسلامی بر این عقیده‌اند که اسلام اصولاً با جنگ و جهاد ابتدایی و بدون وجود تعدی و تجاوز از طرف دشمن مخالف است. اسلام در اصل دینی صلح‌جو و به دور از خشونت است که به‌جز موارد خاص و صرفاً برای مقابله با تجاوز و حمله دشمن، مجوز جهاد صادر نکرده است. بنابراین آیات مطلق جهاد بنابر قاعده عقلایی باید حمل بر مقیدات شوند و از این رو در مواردی که به‌طور مطلق امر به قتال شده، منظور مواردی است که دشمن دست به تجاوز و حمله زده است. به مقتضای آیات مقیده و حمل مطلقات بر آنها، جهادی که در اسلام واجب شده، جنگ دفاعی است که فطرت هر انسانی به لزوم آن حکم می‌کند. (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۳۲)

بر این اساس، آیات مقید جهاد نسخ نشده‌اند؛ زیرا اولاً نسخ در مواردی است که میان دو آیه تضاد کامل باشد و امکان هیچ‌گونه جمع عقلایی وجود نداشته باشد؛ ولی در این موارد با حمل مطلق بر مقید امکان جمع وجود دارد.

ثانیاً مفاد آیه «فَمَنِ اعْتَدی عَلَیْکُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدی عَلَیْکُم» (بقره / ۱۹۴) این است که

مشروط شدن جنگ با کفار به تعدی و تجاوز آنها یک حکم کلی و دایمی است و هرگز نسخ نشده است. آیات مربوط به جنگ در سوره آل عمران درباره جنگ احد است که در آن کفار تعدی کردند و آیات مربوط به جنگ در سوره انفال درباره جنگ بدر است که کفار حمله را آغاز کردند و آیات جنگ در سوره برائت درباره مشرکان پیمان‌شکن است که تجاوز را آغاز کردند و به همین جهت در این سوره آمده:

أَلا تُقاتِلُونَ قَوْماً نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (توبه / ۱۳)

آیا کارزار نمی‌کنید با جمعی که شکستند پیمانشان را و قصد کردند به بیرون کردن رسول و آنها پیشی گرفتند شما را اول‌بار. آیا می‌ترسید از ایشان؛ پس خدا سزاوارتر است که بترسید از او، اگر از مؤمنین هستید. (رشید رضا، ۱۳۷۳: ۲ / ۲۱۵)

شیخ محمود شلتوت در این باره به‌صراحت می‌گوید:

در قرآن کریم، یک آیه هم نمی‌توان یافت که دلالت یا اشارتی داشته باشد که باید به جنگ برخاست و با کشتار، مردم را مجبور کرد به اسلام بگروند و به اکراه ایمان آورند. سبب تجویز جنگ در اسلام فقط مبارزه با ستمگری و ایجاد آزادی عقیده و ایمان است. در هرجا که اسلام جنگ را روا شمرده، از آزمندی و استثمار و ایجاد محدودیت برای ضعیفان منع کرده است و توصیه نموده به صلح گرایند و آرامش به‌وجود آورند. پرداخت مالیات و جزیه در عوض خون یا عقیده کافر، به‌منظور خضوع ایشان و پیشگیری از آزار و اخلالگری آنها و متابعت از قوانین و مشارکت در نظامات دولت اسلامی است. (۱۳۵۴: ۱۶۷)

استاد مطهری نیز در کتاب ***جهاد*** خود به این موضوع اشاره می‌کنند:

یک قاعده‌ای است در محاورات عرفی که اگر مطلق و مقیدی داشته باشیم، یعنی یک دستور را در یک‌جا مطلق و مقیدی داشته باشیم ... از نظر عرفی در علم اصول می‌گویند مطلق را باید حمل بر مقید کرد . این آیات به‌صورت مطلق است، آیات دیگری داریم که آن آیات به‌صورت مقید ذکر می‌کند؛ یعنی این‌جور ذکر می‌کند: ای مسلمانان! با این کافران بجنگید، به‌دلیل اینکه این کافران به شما تجاوز می‌کنند. چون اینها با شما در حال جنگ هستند، پس شما حتماً با اینها بجنگید. پس معلوم می‌شود آنجا هم که می‌گوید: «ایها النبي جاهد الكفار و المنافقين»، یعنی این کفار و منافقین که با شما در حال جنگ هستند، اگر شما نجنگید، آنها با شما می‌جنگند، پس با آنها بجنگید. (۱۳۸۹: ۴۴)

علامه طباطبایی‌ره در تفسیر ***المیزان*** به ذکر پاره‌ای از آیات جهاد پرداخته و می‌فرماید: «جهاد و

کارزاری که قرآن مؤمنین را به آن دعوت کرده است و برای آنان حیات‌آفرین می‌خواند، به‌معنای آن است که پیکار چه در راه دفاع از اسلام یا مسلمین باشد و چه جهاد ابتدایی، همه در واقع دفاع از حقیقت انسانیت است». (۱۴۱۷: ۱ / ۶۷)

ایشان در ذیل آیه «وَلا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره / ۱۹۰) می‌نویسد:

> ماهیت جهاد در اسلام دفاعی محض است که حق انسانیت که براساس فطرت سلیم، حق مشروع بشریت می‌باشد، بدان وسیله حفظ می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۶۱)

بنابراین آنچه در اصطلاح جهاد ابتدایی خوانده می‌شود، قسمی از اقسام جهاد دفاعی است.

ـ مشروط بودن جهاد ابتدایی؛ برخی نیز ضمن پذیرش اصل مشروعیت جهاد ابتدایی، آن را از لحاظ زمانی، مکانی و شرایط دیگر مقید و محدود دانسته، به‌گونه‌ای که تحقق آن در زمان پس از پیامبر و معصومین علیهم‌السلام ممکن نبوده، ازاین‌رو مسئله به‌طورکلی منتفی است. برای مثال، با توجه به این نکته که شرک عصر جاهلی ملازم با شرور و فتنه‌های اجتماعی بوده است یا اینکه آیات جهاد اختصاص به عصر تأسیس حکومت اسلامی و حداکثر مختص زمان حضور معصوم علیه‌السلام است، جهاد ابتدایی به دوران صدر اسلام یا عصر حضور مربوط می‌شود. درباره شرک عصر جاهلی و همراهی آن با فتنه و شر، مطالعه تاریخ اجمالی صدر اسلام کافی است. نیم‌نگاهی به نحوه مقابله کفار با پیامبر ما را به این نکته می‌رساند که بحث اساسی آنان حفظ و بهره‌برداری از مواهب مادی بوده است. فرهنگ و تمدن امروز گرچه از زیاده‌خواهی بری نیست، ولی با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر جهان، اسلام آوردن رهبران یک کشور، هرگز مساوی از دست دادن قدرت نیست؛ از این روی می‌توان شر امروز را دارای ماهیتی متفاوت با آن دوران دانست. لذا با قبول تلازم شرک و فتنه در دوران صدر اسلام و مهم بودن عنوان فتنه در تشریع جهاد ابتدایی، آن عنوان در عصر حاضر کمتر مصداق می‌یابد. (زحیلی، ۱۴۰۱: ۳۹۳ ـ ۳۶۰)

۳. اخلاقی بودن جهاد ابتدایی

دیدگاه سوم در این رابطه، مشروع دانستن جهاد ابتدایی با توجیه اخلاقی آن است. این افراد معتقدند با نگاه به آیات متعدد قرآن درباره جهاد، روایات اسلامی و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به این نتیجه می‌رسیم که جهاد ابتدایی، به این معنا که دولت اسلامی بدون وجود تجاوز مستقیم به قلمرو اسلامی، به کشور دیگر حمله کند، وجود دارد؛ ولی براساس معیارهای پذیرفته‌شده عقلایی و جهانی در مورد جنگ عادلانه، جهاد ابتدایی مشروع در اسلام از قبیل جنگ عادلانه است و همه معیارهای فعل اخلاقی را دربر دارد.

ما نیز ضمن پذیرش مشروع بودن اصل جنگ ابتدایی از لحاظ فقهی و وقوع آن در صدر اسلام، سعی

خواهیم کرد آن را از لحاظ اخلاقی بررسی و تحلیل کنیم. ازاین‌رو در ادامه معیارهای جنگ عادلانه را یک‌به‌یک مرور کرده و آنها را با شرایط جهاد ابتدایی براساس آیات و روایات مقایسه می‌کنیم.

۱ ـ ۳. هدف عادلانه

همان‌گونه که در مقدمه گفته شد، امروزه نظریه جنگ عادلانه، مهم‌ترین و پذیرفتنی‌ترین دیدگاه در مورد جنگ و رابطه آن با اخلاق است. براساس این نظریه، جنگ نیز مانند سایر افعال انسان می‌تواند اخلاقی و پسندیده یا غیر اخلاقی و مذموم باشد. فیلسوفان اخلاقِ طرف‌دار این نظریه برای جنگ عادلانه یا اخلاقی شرایطی قرار داده‌اند که از جمله آنها داشتن هدف عادلانه است. در توضیح این شرط گفته شده است که دولت‌ها باید در شروع جنگ هدفی اخلاقی داشته باشند؛ یعنی برای دفاع از خود، کشور ثالث یا در حمایت از مردم تحت ستم یک دولت ظالم، جنگ را آغاز نمایند. به‌طورکلی آنچه که در پایان جنگ اتفاق می‌افتد، باید رفع ستم و ظلم و دفع تجاوزگری باشد.

با نگاهی به آیات و روایات و سیره عملی پیامبر اکرمﷺ به این نتیجه می‌رسیم که در اسلام نیز مهم‌ترین عنصر و شرط در آغاز جنگ، داشتن هدف صحیح و عادلانه است. اهداف جهاد در اسلام می‌تواند شامل موارد زیر شود:

۱ ـ ۱ ـ ۳. در راه خدا

از آنجا که اسلام دین توحید و خداپرستی است، تمام احکام و دستورات آن نیز متناسب با این جهان‌بینی، حول محور توحید بنا شده است. از همین‌رو، در جنگ فرهنگ قرآنی، مفهومی مقدس به خود می‌گیرد و بر آن نام جهاد فی سبیل الله گذاشته می‌شود و برای آن نه پاداش‌های دنیوی، بلکه اجر اخروی درنظر گرفته می‌شود:

> فَلْيُقاتِلْ فِي سَبيلِ اللَّهِ الَّذينَ يَشْرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقاتِلْ فِي سَبيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتيهِ أَجْراً عَظيما. (نساء / ۷۴)
>
> آنها که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند، و آن‌کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

مطابق این آیه و بسیاری از آیات دیگر، جهادی مقدس شمرده شده است که در راه خدا و نجات بندگان خدا و زنده کردن اصول حق و عدالت و پاکی و تقوا باشد، نه جنگ‌هایی که به‌خاطر توسعه‌طلبی، تعصب، توحش، استعمار و استثمار صورت گیرد. در اسلام جنگی مشروعیت دارد که منطبق با مفهوم جهاد باشد؛ یعنی جهاد فی سبیل الله. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۹)

هدف اسلام از دعوت مسلمانان به جهاد، نه توسعه‌طلبی و استیلای بر ثروت و منابع دیگر کشورها و نه

اعتلای شخص، ملت، دولت و یا قبیله‌ای خاص است؛ بلکه هدف از جهاد، اعتلای کلمه الله و گسترش عبودیت و بهره‌مند کردن بشریت از این خیر عظیم است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲ / ۷۰۸)

در یک جمله می‌توان گفت: در راه خدا جنگیدن، اساسی‌ترین ویژگی جنگ در اسلام است که صف مؤمنان مجاهد را از صف طاغوتیان جنگجو جدا می‌کند. قرآن کریم به‌صراحت به این مطلب اشاره می‌کند:

> الَّذِينَ آمَنُوا يقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ. (نساء / ۷۶)
> کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنان‌که کافرند، در راه طاغوت.

ازاین‌رو، یکی از مهم‌ترین اهداف جهاد در اسلام، اطاعت از خداوند است و مجاهدی که با این هدف مقدس در راه خدا پیکار می‌کند، از هرگونه عمل ستمگرانه، ظالمانه و تجاوزکارانه دور و مبراست. چنین جنگی مسلماً اخلاقی و عادلانه خواهد بود.

۲ ـ ۱ ـ ۳. گسترش توحید و محو شرک؛ دفع فتنه

در ارتباط با هدف عادلانه گفته شده است که مبارزه با ظلم و بیدادگری یک دولت، می‌تواند مجوز آغاز جنگ باشد. در اسلام دفع فتنه و فساد یکی از مهم‌ترین اهداف جهاد برشمرده شده است. آیا دفع فتنه هدفی عادلانه است؟ آیا این هدف، از قبیل رفع ظلم و ستم بوده، ستودنی و پسندیده است؟ لازم است در ابتدا مقصود از فتنه بیان شده و سپس اخلاقی بودن آن ارزیابی گردد.

قرآن کریم در دو آیه به این هدف مهم اشاره کرده است:

> وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلا عُدْوانَ إِلاَّ عَلَى الظَّالِمِين. (بقره / ۱۹۲)
> وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِما يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. (انفال / ۳۹)

در مورد معنای «فتنه» در این آیه میان مفسرین اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی به قرینه «و یکون الدین لله» فتنه را به‌معنای شرک دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۶۳) برخی نیز معتقدند سه هدف برای جهاد در این آیه ذکر شده: از میان بردن فتنه‌ها، محو شرک و بت‌پرستی و جلوگیری از ظلم و ستم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۷)

با این اوصاف، این سؤال مطرح می‌شود که آیا جنگ برای مبارزه با شرک نوعی تحمیل عقیده و مخالف با آزادی انسان‌ها نیست؟ توجیه اخلاقی این نوع جنگ چیست؟ مفسرین و اندیشمندان اسلامی در پاسخ، چنین جنگی را از قبیل جنگ برای رها ساختن انسان‌ها از ظلم و جور دولت‌های ظالم و آزادی انسان‌های

دربند دانسته و آن را اخلاقی می‌شمارند. درحقیقت مفهوم ظلم مفهوم عامی است که فقط شامل ظلم مادی و دنیوی نمی‌شود؛ بلکه از مهم‌ترین ظلم‌ها، دربند کردن روح انسانیت و مانع رسیدن ندای توحید به روح و جان انسان‌ها شدن است.

به این ترتیب جهاد اسلامی نه به‌خاطر فرمانروایی در زمین و کشورگشایی، و نه به‌منظور به چنگ آوردن غنائم و تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر، یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است؛ بلکه هدف یکی از این سه چیز است: خاموش کردن آتش فتنه‌ها و آشوب‌ها که سلب آزادی و امنیت از مردم می‌کند، محو آثار شرک و بت‌پرستی، و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع در برابر آنان. بنابراین در این آیه خداوند مجوز جهاد ابتدایی را به‌منظور رفع فتنه صادر نموده و این کار، به‌معنای رفع موانع رسیدن ندای حق به مردم حق‌طلب جوامع تحت حکومت ظالمان و بی‌دینان، نه‌تنها منافاتی با عدالت و آزادی ندارد، بلکه نوعی دفاع از آزادی و حریت انسان‌هاست تا با فراهم شدن فضایی پاک و آزاد در آموزه‌های فطری اسلام اندیشیده و آن را بپذیرند. (همان) انسان‌ها در تمامی جوامع بشری از این حق برخوردارند که ندای حق و فطرت را بشنوند و در فضای امن فکری حقیقت را جستجو نمایند. کسانی که مانع از وصول مردم به آزادی فکری می‌شوند تا در جهل و بی‌خبری قیود اسارت و بندگی را بر آنان تحمیل نموده و ظلم و فساد را گسترش دهند، در عمل به جنگ با دین برخاسته‌اند و باید با آنان مبارزه کرد.

برخی از مفسرین نیز فتنه را به‌معنای تجاوزگری و حمله دشمن دانسته و از این جهت جهاد به هدف دفع فتنه را همان دفاع تلقی کرده‌اند. اینان معتقدند ضمیر «قاتلوهم» در این آیه به «الذین یقاتلونکم» در آیه قبل برمی‌گردد؛ بنابراین با توجه به سیاق آیات قبل منظور از فتنه همان تجاوزی است که مشرکان آغازگر آن بوده‌اند. دلیل بر این ادعا، معنای لغوی «فتنه» است که به‌معنای گذاشتن طلا در آتش است تا خالص و ناخالص آن معلوم شود. با دقت در معانی ماده «فتن» درمی‌یابیم که در همه موارد معنای سختی وجود دارد. در «فتنه» به‌معنای امتحان نیز معنای سختی هست. بنابراین چون در شرک مفهوم سختی وجود ندارد، نمی‌تواند ازجمله معانی فتنه تلقی شود. عبارت «و یکون الدین لله»، یعنی تا استیلا و حاکمیت از آن خدا گردد؛ چراکه یکی از معانی دین، استیلا و سلطه است و در اینجا به قرینه مقام، مراد همین معناست. (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲۴؛ رشید رضا ۱۳۷۳: ۲ / ۲۱۰)

بنابر هر تفسیری، یکی از اهداف جهاد رفع فتنه و فساد معرفی شده که چه آن را شرک و بت‌پرستی، رعب و وحشت و یا تجاوز دشمن بدانیم، در عادلانه و اخلاقی بودن آن تردیدی وجود ندارد؛ زیرا این هدف، همان دفاع از حقوق انسان‌ها و انسانیت است. جهاد برای گسترش توحید و رفع موانع در رسیدن ندای آسمانی به مردم در جهل رهاشده، دفاع از مقدس‌ترین و مهم‌ترین حقوق انسان‌هاست. (مطهری، ۱۳۸۹: ۸۰)

نکته دیگر اینکه، جهاد برای انتشار دین و توحید با اصل آزادی فکر و عقیده منافاتی نـدارد؛ زیـرا در اسـلام، ایمان و اعتقاد موضوعی اختیاری و کاملاً شخصی است: «لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره / ۲۵۶)؛ به این دلیل که اصولاً ایمان را نمی‌توان به اجبار بر کسی تحمیل کرد. بنابراین چنین جنـگ‌هـایی در اسـلام تنها برای رفع موانع و از بین بردن حکومت‌های فاسد و رساندن پیام توحید به مردم بوده تا به انتخـاب خـود ایمان بیاورند.

از سوی دیگر میان آزادی فکر و آزادی عقیده تفاوت وجود دارد. فکر از قوه تفکر انسان ناشی مـی‌شـود و در نتیجه، منطقی است؛ ولی عقیده به‌معنای بستگی و گره‌خوردگی است و چه‌بسا عقیده‌هایی که هیچ مبنـای فکری و عقلانی ندارد. اینکه گفته می‌شود بشر حق دارد آزاد باشد، در حوزه فکر کردن است؛ اما اعتقادهـایی که کوچک‌ترین ریشه فکری ندارد، فقط یک انعقاد و انجماد روحی است که نسل به نسل آمده و عین اسارت و بندگی است؛ ازاین‌رو، جنگیدن برای از بین بردن این عقیده‌ها، جنگ در راه آزادی بشر است، نه جنگ علیه آزادی بشر. (مطهری، ۱۳۸۹: ۸۷)

۳ ـ ۱ ـ ۳. رفع تجاوز

از مهم‌ترین مصادیقی که در نظریه جنگ عادلانه برای جنگ پسندیده ذکر شده، نبردی است که برای دفع و رفع تجاوز باشد؛ به همین دلیل نبرد متفقین علیه آلمـان در طـول جنـگ جهـانی دوم را عادلانـه و اخلاقـی به‌شمار می‌آورند. در بسیاری از آیات مقیده جهاد، به دفاعی بودن جنگ در اسلام و مقابله بـا تعـدی تصـریح شده است. به‌عنوان نمونه:

> أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْـرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِـبَعْضٍ لَهُـدِّمَتْ صَـوامِعُ وَ بِيَـعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيراً وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَـوِيٌّ عَـزِيـز. (حج / ۴۰ ـ ۳۹)
>
> به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چراکه مورد ستم قـرار گرفته‌اند، و خدا بر یاری آنان تواناست. همان‌ها که از خانه و شهر خود به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست» و اگر خداوند بعضی از مـردم را توسـط بعضـی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خـدا در آن بسـیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند کسانی که او را یاری کنند [و از آییـنش دفـاع نماینـد] یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

این آیه که به عقیده برخی اولین آیه جهاد است، صریحاً جنگ را در آنجـایی مجـاز دانسـته کـه هجـوم نظامی از طرف دشمن آغاز شود و مردمی مورد ظلم و ستم قرار گیرند. در آیه بعد حق دفـاع بـه مردمـی داده

شده است که به ناحق و فقط به‌خاطر ایمان به خدا از وطن خود رانده شده‌اند.

اشاره این آیه به مسلمانان مهاجر است که شکنجه و آزار مشرکان مکه آنان را ناگزیر کرد از وطن خود هجرت کنند.

وَ قاتِلُوا فِي سَبيلِ اللَّهِ الَّذينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدينَ. (بقره / ۱۹۰)
در راه خدا با کسانی بجنگید که به شما حمله نظامی می‌کنند، و تجاوز نکنید؛ زیرا خدا تجاوزکاران را دوست ندارد.

از این آیه چند نکته به‌دست می‌آید:

۱. جنگ باید در راه خدا باشد، نه به‌منظور کشورگشایی یا انتقام‌جویی یا اشباع غریزه جاه‌طلبی و برتری‌جویی استکباری و مانند اینها.

۲. این آیه به‌صراحت می‌گوید با آنان‌که به شما حمله نظامی می‌کنند، بجنگید. بنابراین اگر حمله‌ای از سوی دشمن انجام نگیرد، جنگ منتفی است.

۳. عبارت «و لا تعتدوا» علاوه بر اینکه هرگونه تعدی و تجاوز به‌صورت عام را نهی می‌کند، تأکیدی است برای قید «الذین یقاتلونکم» و به این معناست که هرگونه جنگ ابتدایی و بدون تجاوز ممنوع است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۵۱۰)

اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لا تُقاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ حَتَّى يُقاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذلِكَ جَزاءُ الْكافِرينَ. (بقره / ۱۹۱)
و آنها [بت‌پرستان] را هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون ساختند [مکه]، آنها را بیرون کنید، و فتنه از کشتار هم بدتر است، و با آنها در نزد مسجدالحرام [در منطقه حرم] جنگ نکنید، مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند. پس اگر با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید، چنین است جزای کافران!

در این آیه نیز خداوند مسلمانان را از آغاز جنگ نهی کرده و جنگ را به‌عنوان دفاع جایز دانسته است. در واقع این آیه به مسلمانان می‌گوید چون این کفار آغازکننده تجاوز بودند و شما را از شهر و خانه خود اخراج کردند و منشأ فتنه بودند، شما هم هرجا آنها را یافتید، به قتل رسانید.

برخی «فتنه» در این آیه را مصادره کردن اموال مسلمین در مکه و شکنجه و آزار آنان در این شهر دانسته‌اند؛ ازاین‌رو آغازگر جنگ به‌نوعی مشرکین بوده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۳)

وَ ما لَكُمْ لا تُقاتِلُونَ فِي سَبيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذينَ

يَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيراً. (نساء / ۷۵)

چرا در راه خدا و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد [ستمدیده‌ای] که می‌گویند: «پروردگارا ما را از این شهر [مکه] که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده و یار و یاوری برای ما تعیین فرما.

در این آیه نیز مجوز قتال برای مسلمانان، ظلم و ستم کافران و مشرکان مکه دانسته شده است.

الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِين. (بقره / ۱۴۹)

ماهِ حرام در برابر ماهِ حرام! [اگر دشمنان احترام آن را شکستند و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید] و تمام حرام‌ها [قابلِ] قصاص است. و [به‌طورکلی] هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید [و زیاده‌روی ننمایید] و بدانید خدا با پرهیزکاران است.

در بخش دوم این آیه خداوند یک حکم کلی را بیان می‌کند که هرکس به شما تعدی کند، شما هم مقابله به مثل کنید که طبعاً یکی از مصادیق آن، جنگ دفاعی است.

در این آیات به‌خوبی دیدگاه اسلام در مورد جنگ تبیین شده است. در آیاتی که گذشت، مجوز جنگ برای مسلمانان تعدی و تجاوز دشمن و دفع ظلم و ستم و در نهایت برای رضای خداوند و نه انتقام‌جویی قرار داده شده است.

با این حال آیات دیگری نیز در قرآن کریم داریم که مسلمانان را به‌صورت مطلق به جنگ و جهاد دعوت کرده است. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، یکی از اصول مهم محاوره که همه عقلا بر آن اتفاق دارند، حمل کلام مطلق بر مقید است. در آیات قرآن نیز این اصل تا زمانی که دلیل خاص بر اجرایی نبودن آن نباشد، جاری و صحیح است. ازاین‌رو، آیات مطلق جهاد در قرآن به موارد دفاع و رفع تجاوز حمل می‌گردد که اخلاقی بودن این نوع جهاد از مسلمات است.

٤ ـ ۱ ـ ۳. حمایت از مظلومان و مستضعفان

یکی از معیارهای جنگ عادلانه، حمایت از ملت‌های مظلوم و مورد تجاوز واقع‌شده است. در اسلام نیز به این هدف توجه شده است. پروردگار متعال جامعه اسلامی را به حمایت و نجات مستضعفان در برابر ستم و تجاوز ظالمان فرامی‌خواند؛ مسلمانان اجازه ندارند در برابر آنچه از ستم و جنایت نسبت به ستمدیدگان عالم می‌گذرد، بی‌تفاوت باشند و این از مسائل مهم در شریعت اسلامی و حاکی از حقانیت دین می‌باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا. (نساء / ۷۵)

این آیه شریفه در مقام ترغیب و تحریک به جهاد در راه خدا و استقرار حکومت عدل الهی در راه نجات بیچارگان است. از آیه می‌توان استفاده کرد که برای نجات همه مستضعفان جهان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، پیکار لازم است. روایات متعددی نیز لزوم حمایت و اجابت ندای مظلوم را بیان نموده است؛ ازجمله این سخن پیامبر گرامی اسلامی ﷺ که فرمودند:

اتقوا دعوه المظلوم و ان کان کافرا فانه لیس دونه حجاب. (نهج‌الفصاحه: ۱۶۴)
از نفرین مظلوم بترسید، اگرچه کافر باشد؛ زیرا در برابر نفرین مظلوم پرده و مانعی نیست.

۲ ـ ۳. قصد و نیت صحیح

در نظریه جنگ عادلانه گفته شده است که قصد دولت در شروع جنگ باید صرفاً رسیدن به هدف عادلانه باشد. داشتن هدف عادلانه برای شروع جنگ کافی نیست؛ بلکه انگیزه واقعی در پس توسل به جنگ نیز باید از لحاظ اخلاقی درست باشد. انگیزه تصرف سرزمین و افزایش قدرت، انتقام‌جویی و یا نفرت نژادی نباید در کار باشد. به‌عبارت دیگر، گاهی دفع تجاوز بهانه‌ای است برای شروع جنگ؛ ولی نیت واقعی در پس آن، افزایش قدرت، انتقام‌جویی و تسویه نژادی است. چنین جنگی عادلانه و اخلاقی نیست.

در اسلام، جنگ باید در راه خدا و به‌منظور اطاعت از دستورات او انجام شود. تعدی و تجاوز صراحتاً در قرآن منع شده است:

وَ قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. (بقره / ۱۹۰)
در راه خدا با کسانی بجنگید که به شما حمله نظامی می‌کنند، و تجاوز نکنید؛ زیرا خدا تجاوزکاران را دوست ندارد.

هنگامی که جهاد در راه خدا باشد، انجام کارهای غیر اخلاقی و داشتن انگیزه‌های فاسد و تجاوزکارانه ممنوع است؛ ازاین‌رو در اسلام تعرض به غیر نظامیان، زنان و کودکان، دشنام دادن به دشمن، استفاده از سلاح شیمیایی، حمله به مراکز مقدس، آسیب به طبیعت و محیط زیست و ... ممنوع است. در چنین آیینی خدعه و فریب و حمله به کشورها در قالب اهداف خیرخواهانه، نوعی پیمان‌شکنی و ناپسند است. منابع

اسلامی به‌شدت و مکرر از پیمان‌شکنی و نقض عهد نکوهش نموده است. در حدیثی از رسول خداﷺ تأکید شده است:

> و اذا نقضوا العهد سلط الله علیهم عدوّهم. (مجلسی،۱۴۰۴: ۷۰ / ۳۶۹)
> و هرگاه پیمان‌شکنی کنند، خداوند دشمنان را بر آنها مسلط می‌کنند.

این روایت و روایات مشابه عمومیت دارند و شامل پیمان‌شکنی با کفار نیز می‌شود؛ همان‌گونه که علامه مجلسی نیز به همین مطلب اشاره کرده است. (همان: ۳۷۰ ـ ۳۷)

بنابراین، از آنجاکه هدف در جهاد ابتدایی تسلط جامعه‌ای بر جامعه دیگر و یا گسترش محدوده جغرافیایی یک کشور و یا بهره‌برداری از منافع اقتصادی، معادن و منابع و عواید کشورهای دیگر نیست؛ بلکه هدف اصلی زمینه‌سازی برای خداپرست شدن انسان‌ها و هدایت آنهاست و با توجه به روح حاکم بر ادیان توحیدی، ازجمله اسلام که دخالت در جوامع توحیدی به‌منظور آگاه کردن آنها را در تضاد با آزادی نمی‌داند، چنین جنگی نه‌تنها مذموم و ظالمانه نیست، بلکه عملی اخلاقی و عین عدالت است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳ / ۴۲۰)

۳ ـ ۳. آخرین راه حل

براساس آنچه از آموزه‌های دین اسلام به‌دست می‌آید، جنگ و جهاد به‌عنوان آخرین حربه برای دفع فتنه و تجاوز دشمن درنظر گرفته شده است. ازاین‌رو، اصل اولیه در اسلام صلح و آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز است و جنگ به‌عنوان گزینه آخر مطرح است. در همه جنگ‌ها پیامبر ابتدا با دشمن به مذاکره می‌پرداختند و آنها را به پذیرش اسلام دعوت می‌کردند و در صورت عدم توافق، به جهاد مبادرت می‌فرمودند. در قرآن نیز دستورات صریحی مبنی‌بر پذیرش صلح و اولویت آن وجود دارد:

> وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَإِنْ يرِيدُوا أَنْ يخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيدَكَ بنَصْرِهِ وَبالْمُؤْمِنِينَ. (انفال / ۶۲ ـ ۶۱)
> و اگر آنان تمایل به صلح نشان دادند، تو نیز به آن متمایل شو و برخدا تکیه کن که او شنوا و داناست، و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است؛ همان کسی است که تو را با یاری خود و یاری مؤمنان تقویت کرد.
> فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقاتِلُوكُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَما جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلا. (نساء / ۹۰)
> اگر کافران و ظالمان از جنگ کناره گرفتند و دست کشیدند و با شما طرح صلح انداختند، دیگر بر آنها دست نگشایید و شما را بر ایشان در آن صورت راه و دستی نیست.

بنابراین آنچه موجب می‌شود اسلام به‌طور استثنا جنگ را روا بشمارد، این است که به رستگاری و خیر بشریت (نه‌تنها یک ملت یا یک نژاد یا یک فرد) تحقق بخشد؛ نمودهای عالی اخلاقی انسان را که منظور

غایی از خلقت حیات و زندگی است، جامه عمل بپوشاند؛ امنیت را برای مردم به ارمغان آورد و آنان را از فشار، ترس، ستم و زیان نجات دهد و عدالت را به‌طور مطلق در زمین برقرار سازد. در قرآن کریم حتی یک آیه هم وجود ندارد که بنابر آن مردم به اجبار به اسلام بگروند و ایمان بیاورند. هرجا اسلام قتال را تجویز کرده، برای آن است که مانعی در مقابل آزمندی و استثمار ضعیفان ایجاد کند تا آنان در سایه صلح و آرامش، زندگی ای براساس عدالت بنیان کنند؛ تا آنجا که حتی پرداخت مالیات و جزیه به‌منظور خضوع کافران و مشرکان و پیشگیری از آزار و اخلال‌گری آنها و متابعت از قوانین دولت اسلامی بوده است.

٤ ـ ۳. تناسب و عدم زیادی روی

قرآن در این باره فرموده است:

... فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. (بقره / ۱۴۹)

هنگامی که جنگ برای خدا و در راه خدا باشد، هیچ گونه تعدی و تجاوز نباید در آن باشد؛ به همین دلیل در جنگ‌های اسلامی رعایت اصول اخلاقی فراوانی توصیه شده است؛ مثلاً افرادی که سلاح بر زمین بگذارند، و کسانی که توانایی جنگ را از دست داده‌اند، یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند، همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان نباید مورد تعدی قرار گیرند، باغستان‌ها و گیاهان و زراعت‌ها را نباید از بین ببرند، و از مواد سمی برای زهرآلود کردن آب های آشامیدنی دشمن (جنگ شیمیایی و میکروبی) نباید استفاده کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۰)

علی‌ﷺ به لشکریانش قبل از شروع جنگ صفین دستور جامعی در این زمینه داده که شاهد گویای بحث ماست:

لا تقاتلوهم حتي يبدؤوكم فانكم بحمد اللّه على حجة، و تركم اياهم حتى يبدؤوكم حجة اخرى لكم عليهم، فاذا كانت الهزيمة باذن اللّه فلا تقتلوا مدبرا و لا تصيبوا معورا و لا تجهزوا علي جريح و لا تهيجوا النساء باذي و ان شتمن اعراضكم و سببن امرائكم. (نهج البلاغه، نامه ۱۴)

با آنها نجنگید تا جنگ را آغاز کنند، چه اینکه شما به حمدالله [برای حقانیت خود] دارای حجت و دلیل هستید، و واگذاشتن آنها تا اینکه نبرد را آغاز کنند، حجت دیگری است به‌سود شما و بر زیان آنان. آنگاه که به اذن خدا آنان را شکست دادید، فراریان را نکشید، و بر ناتوان‌ها ضربه نزنید و مجروحان را به قتل نرسانید، و با اذیت و آزار، زنان را به هیجان نیاورید، هرچند به شما دشنام دهند، و به سرانتان ناسزا گویند.

۵ ـ ۳. حاکمیت قانونی دولت و اعلام عمومی

یکی از معیارهای جنگ عادلانه، حاکمیت قانونی دولت بیان شده است. این موضوع در فقه شیعه با عنوان جهاد ابتدایی در زمان حضور امام معصوم‌ﷺ و با اذن او مطرح شده است. در نظر بیشتر فقیهان شیعه، حضور و اذن امام معصوم یا نماینده خاص او، از شروط جهاد ابتدایی است. (نجفی، ۱۳۷۶: ۲۱ / ۱۳) بنابراین، دولت‌های اسلامی نمی‌توانند بدون داشتن اجازه معصوم و یا نایب ایشان به کشورهای دیگر حمله کنند. این شرط در حکم ضامن اجرایی برای رعایت همه اصول اخلاقی مورد نظر اسلام عمل کرده و دلیل دیگری بر اخلاقی بودن جهاد ابتدایی در اسلام است.

همچنین همانند قواعد حقوق بین‌المللی جنگ، در اسلام جنگ‌های ناگهانی و بدون اعلام ممنوع است؛ زیرا ممکن است دشمن پس از اعلام جنگ از سوی مسلمانان، خواسته‌های آنان را برآورد و احتمال وقوع جنگ منتفی گردد. اما اگر پس از سه روز از اعلام جنگ، اهداف مسلمانان محقق نشود و دشمن همچنان بر تجاوزگری و عناد خود اصرار ورزد، باید با او جنگید. (نواوی، ۱۳۹۴: ۱۱۴)

در فقه اسلامی یکی از شرایط شروع جنگ، دعوت به اسلام و توحید است. روایات متعددی در این زمینه موجود است؛ برای مثال:

> النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ‌ﷺ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ‌ﷺ بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ‌ﷺ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَداً حَتَّى تَدْعُوَهُ إِلَى الْإِسْلَامِ ... . (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۴)
>
> ... امام صادق‌ﷺ از حضرت امیرﷺ نقل کردند که چون پیامبرﷺ ایشان را یمن می‌فرستادند، به ایشان فرمودند: یا علی! با هیچ‌کس به جنگ نپرداز، مگر اینکه او را به اسلام دعوت کنی.

بنابراین مشاهده می‌شود که دعوت و گفتگو از نظر اسلام، مقدم بر جنگ است.

نتیجه

براساس آموزه‌های اسلامی برگرفته از آیات قرآن و روایات، دیدگاه اسلام در رابطه با جهاد، به‌ویژه جهاد ابتدایی را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

توصیه اسلام به جنگ در چارچوب کلی جهان‌بینی اسلام که بر محور توحید و عدالت استوار است، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. ازاین‌رو بارزترین شرط جهاد در اسلام فی سبیل الله بودن آن است که با توجه به همین قید، اشکال مهم غربیان به حکم جهاد در اسلام پاسخ داده می‌شود. در اسلام هدف از جهاد رهانیدن انسان‌ها از قیدها و اسارت‌ها و باز نمودن راه سعادت اوست. ازاین‌رو جهاد ابتدایی نیز شکلی از دفاع از حقوق انسانی و مقابله با تجاوز به‌حساب می‌آید.

با این حال بررسی آیات نورانی قرآن در باب جهاد به‌خوبی این حقیقت را آشکار می‌کند که شروع جنگ در اسلام مشروط به شرایط فراوانی است که امروزه برخی از آنها در کنواسیون‌های بین‌المللی انعکاس داده شده و فیلسوفان اخلاق در مورد آن بحث کرده‌اند؛ شرایطی همچون مقابله با تجاوزگری، دفاع از مظلوم، رفع فتنه، فقدان راه‌حل مسالمت‌آمیز و ... همگی از اصول اخلاقی مترقی اسلام خبر می‌دهد.

به‌طورکلی اخلاقی بودن جهاد ابتدایی از دو زاویه قابل اثبات است: از یک طرف با تأمل در همه مصادیق جهاد ابتدایی در اسلام، متوجه می‌شویم بازگشت آن به جهاد دفاعی است و در اخلاقی و عادلانه بودن دفاع نیز شکی وجود ندارد؛ از طرف دیگر، با دقت در شرایط درنظر گرفته شده برای جهاد از قبیل برای رضای خدا بودن، با اذن امام معصوم و یا نایب عادل وی بودن، لزوم دعوت به مصالحه پیش از شروع جنگ و مجاز نبودن تعدی و ظلم و تجاوزگری و مهم‌تر از همه، اصل بودن صلح و زندگی مسالمت‌آمیز، مشخص می‌شود در اسلام همه معیارها برای پذیرفتنی شدن جنگ براساس حقوق بین‌الملل، درنظر گرفته شده؛ به‌گونه‌ای که اگر جهاد به‌منزله دفاع نیز نباشد، بازهم اخلاقی و عادلانه است.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. *نهج‌البلاغه*، ۱۳۷۳، سید رضی، ترجمه دکتر جعفر شهیدی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ششم.

۳. *نهج‌الفصاحة*.

٤. ابن‌تیمیه، احمد، ١٤٠٣ق، *السیاسة الشرعیه فی اصلاح الراعی و الرعیة*، بیروت، منشورات دارالآفاق الجدیدة.

۵. حر عاملی، ١٤٠٩ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

٦. رشید رضا، ۱۳۷۳ ق، *تفسیر المنار*، قاهرة، دارالمنار.

۷. سید قطب، ابراهیم شاذلی، ١٤١٢ ق، *فی ظلال القرآن*، قاهره، دارالشروق.

۸. شلتوت، محمود، ١٣٥٤، *جنگ و صلح در اسلام*، مترجم شریف رحمانی، تهران، بعثت.

۹. صالحی نجف‌آبادی، نعمت الله، ۱۳۸۲، *جهاد در اسلام*، تهران، نشر نی.

۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ١٤١٧ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تهران، ناصرخسرو.

۱۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱٤۰۹ق، ***النهایة فی مجرد الفقه والفتوی***، قم، قدس محمدی.

۱۳. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰٤ ق، ***بحارالانوار***، بیروت، مؤسسة الوفاء.

۱٤. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷٤، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الاسلامی.

۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، ***اخلاق در قرآن***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱٦. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، ***جهاد***، تهران، صدرا، چاپ بیستم.

۱۷. نجفی، محمدحسن بن باقر، ۱۳۷٦، ***جواهر الکلام***، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۸. نواوی، عبدالخالق، ۱۳۹٤ق، ***العلاقات الدولیة والنظم القضائیه فی الشریعة الاسلامیة***، بیروت، دار الکتاب العربی.

19. Clausewitz, Carl von, 1995,***On War***, trans. by A. Rapoport. Harmondsworth, UK: Penguin.
20. Orend, Brian, 2005, ***War Ethics*** ,Standford University Enclopedia of Philosophy.
21. _____ , 2004, "Justice After War", ***Ethics and International Affairs***, volume 16.1, Cambridge University Press.
22. Walzer, M. and D. Miller, eds, 1995, ***Pluralism, Justice and Equality***. Oxford: Oxford University Press.